

## شخصیت علمی شیخ طوسی<sup>۱</sup>

• مترجم: مریم کربلانی عباس\*

**چکیده:** شیخ الطائفه ابو جعفر طوسی، بنیانگذار برخی شاخه های علوم اسلامی و نخستین طراح طبقه بندی علوم به انواع گوناگون محسوب می شود. التیان اثر سرگ او، تفسیر کامل قرآن کریم و دربردارنده فنون قرآن از قرائات و ادب و احکام و عقاید است.

او در فقه نیز تالیفاتی ارزشمند دارد که از آن جمله می توان از: "النهایه فی مجرد الفقه" "المبسوط الکبیر" و "الخلاف" نام برد. در اصول فقه نیز چنان که خود در "العهده" تصریح کرده نخستین کسی است که کسانی مستقل و جامع در این باب تألیف کرده است. از توفیقات مهم وی، شاگردی در محضر شیخ مفید

---

۱- ترجمه بخشی از مقاله "الشیخ الطوسی و تراثه الحدیثی" برگرفته از شماره ششم مجله علوم الحدیث، مدیر مسوول محمد محمدی ری شهری، سردبیر: سید علی قاضی عسکر، تهران، سال سوم، ۱۴۲۰ ق، ص ۱۵۳ - ۱۳۹

و سید مرتضی بوده که خواه ناخواه در شکل‌گیری بنای فکری او نقش مهمی داشته است.

در هر صورت، باید گفت: مقام او در علم کلام و دانش حدیث و رجال و بعضی از دیگر شاخه های علوم اسلامی چنان رفیع است که آثار او را در زمره ی مراجع اصلی و مهم آن علوم نشانده است.

در میان بزرگان علمای شیعه، شیخ طوسی کسی است که بالاترین مقام را در اختیار دارد و بی تردید بزرگترین شخصیت علمی در همه ابعاد است.

اگر از ائمه (ع) بگذریم، شیخ طوسی جایگاه خاصی دارد و تمامی بزرگان شیعه وی را «رئیس، رهبر، و پیشوای خود» به شمار آورده‌اند.

علامه حلی او را شیخ امامیه و شخصیت برجسته آنان و رئیس الطائفه نامیده است<sup>۱</sup>

عزالدین حسین عاملی، پدر شیخ بهایی او را شیخ و پیشوای عصر خویش، رئیس طایفه شیعه، رکن آن و سرآمد همه علما<sup>۲</sup> به شمار آورده است.

سماهیجی می‌گوید: او شیخ الطائفه و رئیس مذهب و پیشوای فقه و حدیث است<sup>۳</sup>.

شیخ اسدالله تستری نیز درباره او چنین می‌گوید: شیخ طوسی رئیس مذهب، شیخ الطائفه، الگو و اسوه فرقه تاجیه و بنیانگذار پایه‌های هر علم و عملی است.<sup>۴</sup>

۱ - خلاصه الأقوال: ص ۷۲.

۲ - وصول الأخیار: ص ۷۱.

۳ - الاجازه الکبیره الی شیخ ناصر الجارودی، از سماهیجی تحقیق شیخ مهدی العوام، ص ۲۰۳.

۴ - مقابس الأنوار: ص ۴.

سید حسن صدر هم می‌گوید: او پیشوای فقه و حدیث و تفسیر و کلام است و در بین تمامی علمای اسلام و در میان رشته‌های علمی کسی نظیر او نیست. وی کتابهایی را به رشتهٔ تحریر در آورده که هیچکس درعالم اسلام در نوشتن چنین کتابهایی بر او پیشدستی نکرده است.<sup>۱</sup>

علامه بحرالعلوم این حقیقت را به روشنی بیان کرده است<sup>۱</sup> آنگاه که در مورد وی می‌گوید: او برافرازندهٔ پرچم شریعت راستین، امام و پیشوای جماعت پس از ائمه معصومین (ع) و تکیه‌گاه، شیعه در تمامی آنچه به این مذهب تعلق دارد می‌باشد.<sup>۲</sup>

از این رو، علی‌رغم وجود نوابغ بزرگ و مردان مشهور و محققان برجسته و علمای ارجمندی که در طول ۱۰ قرن گذشته در عالم تشیع ظهور یافته‌اند و دنیا را از فکر و علم و نور خود پرکرده‌اند، لقب « شیخ الطائفه » تنها به شیخ طوسی اختصاص یافته و فقط شایستهٔ اوست.

بدینسان، طی هزار سال گذشته هنگامی که کلمهٔ « شیخ » به طور مطلق گفته شده، در اصطلاح علما به شیخ طوسی منصرف بوده و به او اختصاص داشته است.

همچنین کنیهٔ ابوجعفر که مراد از آن در آغاز سلسله اسناد امام باقر (ع) است، در سایر موارد صرفاً در مورد بارزترین شخصیت شیعه به کار رفته و او کسی نیست جز شیخ طوسی؛ با این که در میان علمای شیعه کسانی که دارای کنیهٔ ابوجعفر باشند بسیارند مانند برقی، یزنطی، الصفار، ابن الولید و دیگران...

۱ - تأسیس الشیعه: ص ۳۰۴.

۲ - رجال سید بحرالعلوم، و خاتمه مستدرک الوسائل: ۵۰۵.

نکته جالب این که گردآوردگان کتب اربعه، همگی، کنیه ابو جعفر داشته‌اند. با این همه، این کنیه در صورتی که بطور مطلق آورده شود تنها به شیخ طوسی اختصاص دارد.

### آشنایی با شیخ طوسی و تالیفات وی

شیخ طوسی بنیانگذار تمامی شاخه‌های علوم اسلامی در عالم شیعه و اولین طراح طبقه بندی علوم و تجدید بنای آن است. وی اصول این علوم را تفکیک و تحکیم کرد و پس از شیخ مفید و سید مرتضی، تلاش‌های آنها را دنبال کرد بطوری که کتابهای او منبع و مرجع علمای پس از وی گشت و شیوه و اسلوب وی از جانب آنان دنبال شد که در ذیل به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد:

#### ۱- تفسیر قرآن

شیخ طوسی اولین تفسیر کامل قرآن را تألیف و رشته‌ها و فنون تخصصی آن را به شکل یکپارچه و مشروح فراهم کرد و مفسرین شیوه او را سرمشق و الگوی خویش قرار دادند. این در حالی است که پیش از وی این شیوه تفسیر دردنیای اسلام کاملاً بی سابقه بود و علمای متقدم از قبیل طبری، ابن ابی حاتم و امثال آنان، همگی محدثینی بودند که قرآن را براساس تخصص علمی خود و به شیوه اثری تفسیر می کردند؛ به این نحو که در ذیل آیات مورد نظر احادیثی را نقل و طرق خود را به آن ذکر می کردند.

در میان آنها ادیبانی در رشته‌های مختلف ادبی وجود داشت که قرآن را از حیث لغت، اعراب یا بلاغت تفسیر می کردند مثل: ابی عیید، ابی عییده، اخفش، زجاج، و .... این افراد از جمله کسانی هستند که اعراب القرآن، غریب القرآن، معانی القرآن، مجاز القرآن، مشکل القرآن و... را تألیف کردند تا این که نوبت به جناب سید

رضی رسید، کسی که تفسیری بزرگ را که از بهترین تفاسیر در فهم آیات به شمار می رود در نهایت نیکویی تألیف کرد. او در تفسیر خود غالباً به مباحث ادبی پرداخته است.

متأسفانه تفسیر سید رضی که «*حقایق التاویل*» نام دارد تنها جزء پنجم آن موجود است. این تفسیر شامل تفسیر سوره‌های آل عمران و نساء است و در نجف اشرف به طبع رسیده است. همچنین نسخه قدیمی آن که متعلق به سال ۵۳۳ است در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد نگهداری می‌شود.

در عظمت و بزرگی این تفسیر همین بس که ابن جنی - استاد جناب رضی - در مورد آن چنین می‌گوید: «وی کتابی در معانی قرآن کریم تألیف کرد که بندرت کتابی مثل آن وجود دارد...». این سخن را ابن خلکان در *وفیات الأعیان* (۴/۴۵) نقل کرده است، *شذرات الذهب* (۳/۱۸۳) را نیز ملاحظه کنید.

ذهبی در *سیر اعلام النبلا* می‌گوید: وی در معانی قرآن کتابی سودمند دارد که بر وسعت علمی او دلالت می‌کند. اما - همانطور که اشاره کردیم - این کتاب امل جامع است.

در جهان اسلام اولین کسی که تفسیر کاملی از قرآن تألیف و انواع رشته‌ها و فنون آن را از قرائات و علوم ادبی از حیث لغت و اعراب و بلاغت و احکام و عقاید، با حذف سلسله‌سندهای کسل‌کننده و ملالت‌بار و قصه‌های مفصل و خسته‌کننده گردآوری کرد، شیخ طوسی بود.

اگر تفسیر *مجمع‌البیان* بهترین و جامع‌ترین تفسیر در بین تفاسیر شیعی بلکه تمامی تفاسیر اسلامی است تنها به دلیل پیروی مولف آن (شیخ طبرسی) از اسلوب

طوسی در تبیان و دنبال کردن شیوه او بوده است، چنان که مؤلف مجمع البیان نیز به این مطلب اشاره کرده است.<sup>۱</sup>

به همین دلیل با مراجعه به کتابهای تاریخ و تراجم اهل سنت متوجه می‌شویم که هنگام شرح حال شیخ طوسی، ولو در چند سطر سخن از بزرگداشت و تحسین و تمجید تفسیر وی (التبیان) به میان می‌آورند؛ به عنوان نمونه ابن تغری بردی در النجوم الزاهره (۸۲/۵) می‌گوید: او فقیه امامیه رافضه و عالم آنان و صاحب تفسیری بزرگ در ۲۰ جلد است.

الصفدی در الوافی بالوفیات (۳۴۹/۲) درباره او می‌گوید: او شیخ شیعه و دارای تفسیر بزرگی در ۲۰ جلد است.

عماد کاتب در کتاب دولت آل سلجوق (ص ۳۳) می‌گوید: او پیشوای شیعیان و کسی است که تفسیر نوشته و امور دشوارشان را سهل و آسان کرده است.

السبکی در طبقات الشافعیه الکبری (۵۱/۳) و همچنین در طبقات الوسطی درباره او می‌گوید: وی فقیه شیعه و مصنف آنان و دارای تفسیر قرآن است.

ابن شهبه در طبقات الشافعیه نسخه موجود در کتابخانه ظاهریه دمشق (برگه ۱۳۶) می‌گوید: ابی جعفر طوسی تفسیر بزرگی در ۲۰ جلد دارد.

نوه ابن جوزی در مرآه الزمان (نسخه تصویری کتابخانه امیرالمؤمنین در نجف اشرف، جلد ۱۲، برگه ۱۱۷) در مورد وی می‌گوید: او فقیه امامیه و صاحب تفسیر بزرگی در ۲۰ جلد است.

۱ - مقدمه مجمع البیان (ج ۱ ص ۲۲۲) را ملاحظه نمائید و همچنین بحث جالبی را از کتاب مصری وی (رساله الإسلام) که دارالتقرب بین المذاهب الإسلامیه در قاهره آن را منتشر کرده است بخوانید.

سیوطی در *طبقات المفسرین* (ص ۲۹، شماره ۹۱) می‌گوید: وی تفسیری بزرگ در ۲۰ جلد دارد.

شیخ طوسی *التبیان* را در بغداد تألیف کرد، چنانکه در نسخه‌ای از جلد آخر آن آمده است: «کار تدوین کتاب در روز ۲۱ ماه رجب سال ۴۴۱ به اتمام رسید و پاکنویس آن روز یکشنبه ۱۴ جمادی الآخر سال ۴۴۴ پایان یافت». بنابراین شیخ کتاب را در سال ۴۴۱ در بغداد تدوین و در همانجا نیز آن را (در مدت ۳ سال) پاکنویس کرد.

تاریخ کتابت این نسخه ۲۶ جماد الاول سال ۵۸۱ است و این نسخه در کتابخانه مسجد اورخان نگهداری می‌شود و یکی از کتابهای خراج اوغلو به شماره ثبت ۱۲۹ در شهر بورسه در ترکیه است.<sup>۱</sup>

خوشبختانه نسخه‌های نفیس و قدیمی تبیان هنوز در کتابخانه‌های دنیا موجود است.<sup>۲</sup> با این همه گولدزیهر (*مذاهب التفسیر الاسلامی* ص ۳۰۴) می‌گوید: تبیان

۱ - ویژگیهای این نسخه را در کتاب رمضان ششن (۱/۲۲۴) که تفسیر سوره ذاریات تا آخر قرآن می‌باشد ملاحظه نمایند. همچنین الفهرس الشامل (القرآن ۱/۱۰۱) را ملاحظه نمایند.

۲ - در این جا فهرستی از قدیمی‌ترین نسخه‌های موجود بر اساس آنچه در الفهرس الشامل (علوم القرآن) ج ۱ ص ۱۰۰ - ۱۰۱ آمده است به شما معرفی می‌گردد:

۱ - الإمام أميرالمؤمنین العامه، نجف شماره ۲۸۴۹، تاریخ ۴۷۶هـ.

۲ - کتابخانه ملی، تهران، شماره ۱۷۴، ج ۶، ۵۶۶هـ.

۳ - شماره ۶۴۲H - (۱۲۵۹) از ۱۳۰ بقره تا ۱۱۶ آل عمران، به تاریخ ۵۶۷ هـ.

۴ - خراجی اوغلو، ترکیه - بورسه شماره ۱۲۹ (ج آخر) به تاریخ ۵۸۱هـ.

۵ - الروضه الحیدریه، نجف شماره ۵۸۲ (ج دوم) به تاریخ ۵۸۶ هـ. و ج چهارم به شماره ۶۵۶، بی‌تا و نسخه‌های دیگری که بدون تاریخ یا متأخر هستند. در کتابخانه مرعشیه در قم هم نسخه‌ای از جزء سوم تبیان، با قرائتی بلیغ موجود است، به خط شیخ طوسی، و شماره آن (۸۳).

بلافاصله پس از تالیف از بین رفته یا اصلاً وجود ندارد، زیرا هیچ‌کدام از افرادی که زندگی شیخ طوسی را شرح داده‌اند، نامی از آن نبرده‌اند.

همینطور برکلمان نام این کتاب را در *تاریخ الأدب العربی* ذکر نکرده و فقط آن را در ضمیمه کتاب (ص ۷۰۵) از تألیفات شیخ طوسی شمرده، و دو کتاب را نیز اشتبهاً به وی نسبت داده است: یکی *الفصول فی الأصول* است و دیگری *فصول الأحکام*.

## ۲ - فقه

در عرصه فقه احراز مقام طلایه داری و رهبری توسط شیخ طوسی روشن‌تر از آن است که گفته یا نوشته شود. حتی در بین اهل تسنن - کسانی که در کتابهای تاریخ و تراجم از او نام می‌برند - وی را با القابی نظیر «فقیه الشیعه»<sup>۱</sup> و «فقیه الإمامیه»<sup>۲</sup> و «شیخ الشیعه و عالمهم»<sup>۳</sup> و «امام الشیعه»<sup>۴</sup> و امثال آن که بر این منصب دلالت دارد می‌شناسند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱- مانند السبکی در طبقات الشافعیه الکبری (۱۲۶/۴) و در طبقات الوسطی (نسخه خطی در ظاهریه دمشق) و ابن جوزی در المتظم (۲۵۲/۸) و ابن کثیر در البدایه و النهایه (۹۷/۱۲) و ابن حجر در لسان المیزان (۱۳۵/۵) و فرزند ابن جوزی در مرآه الزمان (۱۹/۱۲ و ۲۲) از کسانی در کتابخانه امیرالمؤمنین - نجف اشرف، و یوسف بن عبدالهادی الحنبلی در کتاب التراجم (برگه ۳۶) از نسخه خطی در ظاهریه و حاجی خلیفه در کشف الظنون (۳۱۱/۱) و ابن الفرطی در تلخیص مجمع الآداب (۴/۲ق ۸۱۵ شماره ۱۱۹۲) و فهرست کتابخانه العبدلیه در دانشگاه الزيتونه در تونس (۲۷/۱).

۲ - مانند ابن تغری بردی در النجوم الزاهره (۸۲/۵) و ابن الأثیر در الکامل (۸۲/۸ و ۱۰۶)

۳ - مانند ذهبی در سیر اعلام النبلاء (۹۹۹/۱۲) والصفدی در الوافی بالوفیات (۳۴۹/۲) و سیوطی در طبقات المفسرین (ص ۲۹).

۴ - مانند عماد کاتب در دولت آل سلجوقی (ص ۳۳).



شیخ الطائفه در رشته‌های مختلف فقه کتابهایی به رشته تحریر درآورده که طی هزار سال همچنان جایگاه مهمی را در میراث فقهی شیعه به خود اختصاص داده‌است.

اولاً: در تنظیم نصوص احادیثی که در کتب فقهی بکار رفته، کتاب *النهایه فی مجردالفقه* را با عباراتی مرتب و منظم تألیف کرد، و این تألیف کاری مبتکرانه و بی‌نظیر بود.

این کتاب - پیش از تألیف *شرایع الإسلام* توسط محقق حلی - محور مطالعات و پژوهشهای فقهی در حوزه‌های علمیه بود و طلاب و پژوهشگران فقه این کتاب را بررسی و با یکدیگر مباحثه و در إجازات خود ذکر می‌کردند و با مطالعه و مطرح ساختن آن در محافل علمی همواره آن را زنده نگه می‌داشتند و برای حل نکات دشوار و شرح رموز آن درصدد تفسیر و تعلیق آن برمی‌آمدند.

خود شیخ طوسی، شیخ ابوعلی، و نظام الدین الصهرشتی این کتاب را شرح کرده‌اند. امام قطب راوندی نیز (متوفی ۵۷۳) به این کتاب اهتمام و عنایتی شایسته داشته و چندین بار آن را شرح کرده است. وی کتاب *المغنی* را در شرح *النهایه* در ۱۰ جلد نوشت و نیز کتابهای *شرح مشکلات النهایه* و *شرح مایجوز و مالایجوزه النهایه* و *نهایه النهایه* از اوست. محقق حلی نیز شرحی بر نکات دشوار آن به نام *نکت النهایه* دارد که همراه با کتاب *الجوامع الفقهیة* به طبع رسیده است.

ثانیاً: وی صاحب کتاب *المبسوط الکبیر* (در چند جلد) در طبقه بندی رشته‌های مختلف فقهی است.

ثالثاً: وی در فقه تطبیقی بین مذاهب اسلامی صاحب کتاب *الخلافا* است که تا قبل از آن، هیچ کتابی مانند آن نوشته نشده بود.

رابعاً: وی در جمع بین اخبار متعارض و رفع اختلاف و تعارض از آنها و ایجاد سازگاری و توافق بین آنها پیشکسوت است. بنابراین، با شیوه‌ای صحیح به حل مشکلات آن پرداخت و راههای استنباط احکام را بر فقها و علما هموار کرد. نظرات وی در جمع بین اخبار، هنوز هم در حوزه‌ها مطرح و بین بزرگان فقه متداول و معتبر و مورد پذیرش و استقبال عموم است. از این رو زعامت و پیشوایی علم فقه از ویژگی‌های مسلم اوست و علما و فقهای پس از وی شاگرد مکتب جاویدان او بشمار می‌روند.

چیرگی و احاطه علمی و فقهی شیخ طوسی بر متاخرین به حدی است که گفته سید بن طاووس (ت ۶۶۴) به نقل از سدیدالدین الحمصی (ت ۶۰۵) تا اندازه‌ای آن را آشکار می‌سازد. وی می‌گوید: «با وجود وی (شیخ طوسی) در شیعه فتوا دهنده و صاحب نظری باقی نماند.»<sup>۱</sup> شاید این نظر نشانگر یکی از این دو امر باشد:

۱- شخصیت علمی شیخ الطائفه در فقه بطوری فقها را به توان و شایستگی علمی او ملزم کرده بود که هیبت و عظمت وی بر آنان مستولی گشت. عبدالجلیل رازی - از علمای قرن ششم - در کتاب خود به نام «السنن» (ص ۱۵۹) می‌گوید: «ابوجعفر طوسی معروف و مشهور ۰۰۰ عظیم القدر و رفیع المنزلت است و بر سخن و فتوای او اعتماد و اطمینان کامل وجود دارد.»

۲ - شاید التزام و پایبندی علما و عموم شیعیان به نظرات شیخ طوسی مجالی برای عرضه آراء مخالف وی باقی نگذارد. عموم شیعیان، چنان برای شیخ احترام قایل بودند که کمترین مخالفت با وی را تعدی و اسائه ادب به ساحت مقام وی

۱ - ملاحظه کنید: مقاله نویسنده طباطبایی را در مجله اسلام چاپ نجف اشرف سال اول، شماره ۶ ص ۲۲۱ تا

قلمداد می‌کردند. حتی ابن ادریس (متوفی ۵۹۷ ق) که گستاخی و جسارت وی بر شیخ طوسی زبازد خاص و عام بود،<sup>۱</sup> جرأت نداشت به صراحت با او به مخالفت برخیزد، بلکه به اظهار موافقت با شیخ پناه می‌برد و نظر شیخ را به عنوان دلیلی برای

---

۱ - ما معتقدیم که تنها دلیل پابندی توده مردم - پس از شیخ طوسی - به نظرات وی در فقه، همچون سایر علوم، و اعطای عنوان «شیخ الطائفه» به وی این است که شیخ طوسی تنها کسی است که بر اثر سالها ممارست و استواری در علوم، در سایه شیوخ بزرگ طایفه از قبیل شیخ غضائری (ت ۴۱۱) و شیخ مفید (ت ۴۱۳) و سید مرتضی (ت ۴۳۶) و در محیطی سرشار از امنیت و آرامش و احترام، توانست با فکر قوی و دید عمیق خود اصول و فروع مذهب و قواعد محکم و استوارش را ضبط، نگهداری و تثبیت کند، و با بستن تمامی راههای فرضی و احتمالی ورود شبهات، و رد شبهات مطرح شده، فقه منقول از اهل بیت (علیهم‌السلام) را مشخص و آشکار سازد. همینطور قواعد محکم و استواری برای همه علوم دینی همچون عقاید و اصول فقه و تفسیر و حدیث و علومشان فراهم کند، بنابراین توده مردم به نظرات او دقت داشتند و آراء وی در نظر آنان لازم‌الاجتناب بود و بدان پایبند بودند. شیخ طوسی تمام آثارش را بر اساس آموزه‌های ائمه (ع) و قواعد الهام گرفته شده از سیره علمای مذهب در زمان ائمه (ع) و بعد از ایشان و با توانایی و قدرت تمام به شکلی مستدل نگاشت، و دلایل فراوان و متداول عصر خویش را مدنظر قرار داد تا توانست شایستگی و لیاقت کسب عنوان «شیخ الطائفه» را با تمام سربلندی و افتخار بدست آورد.

سکوت علما پس از وی نبود مگر به این جهت که این هدف والا و بلند را که بدون شک به وحدت و اتحاد شیعه و عدم پراکندگی، و قوت آرا و اتصال ایشان به منابع پر بار و استوار منجر می‌شد به روشنی در آثار وی مشاهده کردند.

اما ابن ادریس شروع به رخنه و نفوذ در آن کرد، و این گذرگاهی را که حرکت در آن به آرامی و استواری و شفافیت تمام جریان داشت کرد از هم گسست. این امر به وسیله تشکیک در مسلمانی صورت گرفت که شیخ بنای محکم و استوار خود را بر آن بنا نهاده بود، و به اصول و پایه‌های فکری شیخ به گونه‌ای متوسل می‌شد که با اهداف و نیات شیخ به کلی فاصله داشت. کما این که از نظر قدرت و عظمت و پختگی و اصالت هرگز به مقام شامخی که شیخ نزد بزرگان شیعه در طول سالیان دراز در مرکز عظیمی مثل بغداد در آن زمان بدست آورده بود نرسید.....

نظر خود بیان می‌کرد. گذشته از آن هنگامی که مخالفت او با شیخ آشکار بود سخن را به گونه‌ای توجیه می‌کرد که موافقت با نظر شیخ از آن بدست آید.

علامه حلی در مقدمه «متهی المطلب» می‌گوید: متأخرین، از شیخ طوسی بهره‌ها برده‌اند و در کتابهای خود نظرات شخصی خود را هر چند کم‌اهمیت ذکر نکرده‌اند.<sup>۱</sup> فقها نیز - حتی در عصر محقق و علامه حلی - وقتی که در فتاوی‌ای او مردد می‌شدند به جهت رعایت ادب، نام وی را ذکر نکرده بلکه فتوا را بدون نسبت دادن به وی ذکر و سپس آنچه را به فتوای او خدشه وارد می‌کرد نقل می‌کردند.<sup>۲</sup> به هنگام موافقت با شیخ نیز در بیشتر کتابهای فقهی ابتدا مسائل جانبی را با نظرات و آراء شیخ آغاز می‌کردند یا عباراتی از کتابهای وی را عنوان مسائل آن کتاب قرار می‌دادند.

### ۳ - اصول فقه

در این مقوله شیخ، همانگونه که خود در مقدمه «العهده» بدان تصریح می‌کند، اولین کسی است که کتابی مستقل و جامع در بحثهای مختلف این رشته تألیف کرده است. بر همین اساس به ناچار باید بپذیریم که او کتابش را قبل از تألیف کتاب الدرعیة سید مرتضی تدوین کرده است. در اینجا بخشی از عبارت وی را از کتاب العده می‌آوریم:

به جز آنچه شیخ ما ابو عبدالله مفید در کتاب المختصر - در باب اصول فقه - ذکر کرده و شیخ نیز خود به بررسی کاملی در این باره نپرداخته، صرفاً بخشهایی از

۱- متهی المطلب (۱/۱).

۲- مقابسات الأتوار از ستری (ص ۵) و مستدرک الرسائل (۵۶۶/۳) را ملاحظه نمایند.

آن را که به فهم آنها نیاز داشته بدون این که آنها را با دقت بیان کند، آورده است. هم چنین مطالب و نوشته هایی را - به جز آنچه در کتاب بیان کرده - ناقص رها کرده است، که این خود نیازمند تکمیل و استدراک است اگرچه در امالی سید بزرگوار ما، سید مرتضی - که خداوند درجاتش را رفیع گرداند - و در کتبی که شرحی بر آنها گفته است اینگونه مطالب بیشتر به چشم می خورد، اما در این خصوص، چیزی که به وی برگشته و به او مستند باشد تدوین نکرده است.<sup>۱</sup>

سید مرتضی ذریعه را در سال (۱۴۲۰هـ) به رشته تحریر در آورد، بنابراین حتماً شیخ طوسی العده را قبل از این تاریخ نوشته است. علامه بحر العلوم می گوید: کتاب العده بهترین کتابی است که در اصول فقه نوشته شده است.

#### ۴ - علم کلام

درباره جایگاه شیخ طوسی در علم کلام همین بس که شیخ، بهترین شاگرد مدرسه شیخ مفید و مدرسه سید مرتضی بوده است. وی نظریات این دو را به دقت بررسی و بر همین اساس بنای اعتقادات شیعی را در کتاب های بسیاری پی ریزی نموده است.

بهترین این کتابها و بلکه بهترین کتب کلامی کتاب التمهید است که به بیان تفصیلی و مشروح مباحث و بکارگیری تعابیر سهل و آسان، همراه با دقت و تحقیق کامل، مشخص و ممتاز گشته است.

علامه حلی - که از بزرگان متکلمین است - در سخن خود چنین از او یاد می‌کند: «وی معلم عقاید شیعه و فنون معقول و منقول است». ابن کثیر دمشقی او را «متکلم شیعه» می‌نامد.<sup>۱</sup>

ابن حجر عسقلانی می‌گوید: وی کتابهای بسیاری درباره کلام در مذهب امامیه دارد.<sup>۲</sup>

در مقام و مرتبه علمی وی همین بس که خلیفه عباسی معاصر او، القائم بأمرالله، کرسی تدریس علم کلام را که بالاترین مقام و منزلت علمی در آن زمان بود به وی سپرد.<sup>۳</sup> اما متأسفانه این کرسی، در ماه صفر سال ۴۴۹ در کرخ بغداد به دست گروهی از اراذل به آتش کشیده شد.<sup>۴</sup>

#### ۵ - ادعیه و زیارات

شیخ طوسی حتی در عرصه ادعیه و زیارات و اذکار نیز پیشگام است. وی قدیمی‌ترین کتاب بزرگ و جامع را که همان کتاب «المصباح المتجهد و سلاح المتعبد» است، در این موضوع نوشت. تاجایی که علمای پس از وی به آن استناد کرده و از شیوه و سبک او پیروی کردند. از این رو، سید بن طاووس که متخصص این

۱- البدایه و النهایه - تاریخ ابن کثیر - (۷۱/۱۲).

۲- لسان‌المیزان (۱۳۵/۵) چاپ هند.

۳- طباطبائی می‌گوید: در مورد اخبار این «کرسی» تنها به این مطلب که در کتاب التقتض (ص ۴۸) آمده دست یافتیم که سلطان محمد (؟) به شیخ امام ناصرالدین أبو اسماعیل محمد بن حمدان بن محمد همدانی قزوینی کرسی درس اعطا کرد.

ترجمه (شرح حال) همدانی در فهرست متجرب الدین آمده است، و در تذکره الحفاظ (۷۶۹/۳) می‌گوید ابن‌ابی‌داود امام اهل عراق بود و کسی بود که سلطان برای او منبر نصب کرد.

۴ - مرآة الزمان (۱۴) / ورقه ۲۲.

رشته و نویسنده ۱۰ کتاب در این موضوع است و در این رشته صاحب منصب است، کتب خود را به عنوان مکمل کتاب شیخ قرار داد و آن را «المهمات لصلاح العبد و التتمات لمصباح المتعجد» نامید.

همچنین «قبس المصباح» صهرشتی (از شاگردان شیخ)، و «اختیار المصباح» سید ابن باقی، و «منهاج الصلاح» علامه حلی، و «ایضاح المصباح» سید علی بن عبدالکریم النیلی، همگی از کتاب «المصباح» شیخ طوسی الهام گرفته و مطالب آنها از آن انتخاب شده‌اند.

#### ۶- علم الحدیث

در عرصه علم حدیث نیز دو کتاب از کتب اربعه - یعنی تهذیب و استبصار - را که از مهمترین کتابهای حدیثی هستند، از تألیفات شیخ طوسی است.

۱- موضوع استبصار - همانگونه که اشاره کردیم - در بیان جنبه‌های گوناگون جمع بین احادیث مختلف و اثبات سازگاری آنهاست. این موضوعی است که هیچکس در این خصوص گوی سبقت را از وی نبرده است.

۲- تهذیب در زمینه مدارک احکام فقهی و دلایل آنها از میان احادیث شریف است، و هنوز هم در زمینه استنباط احکام شرعی تکیه‌گاه فقها به شمار می‌رود و ایشان در مقام استنباط همچنان به آن رجوع می‌کنند و در فتاوی‌ای ایشان دارای اعتبار و وثاقت است، و شیخ همانگونه که خواهد آمد - محوری است که حدیث گرداگرد آن می‌چرخد.

سومین کتابی که شیخ در حدیث گرد آورد، کتاب امالی است، که احادیث غیرفقهی را شامل می‌شود و محتوای آن - غالباً - درباره روایاتی در زمینه عقاید و

اخلاق و فضائل و تفسیر و تاریخ است و بسیاری از آنها نیز به راویان اهل سنت اسناد داده شده است.

### ۷ - علم رجال

نزد امامیه کتابهای اصلی و مهم در علم رجال که در بردارنده اصول این علم می باشد چهار کتاب است. سه کتاب از این چهار کتاب از تألیفات شیخ طوسی است، بنابراین کتابهای متداول در این علم، بر سخنان و آراء شیخ طوسی استوارند و از آنها سیراب می شوند.

اما اجازات و سلسله سندهای محدثین و روات - تماماً - به شیخ طوسی منتهی می شود و حول محور نام او می گردد. اگر اجازات را بررسی کنیم در می یابیم که هرفردی که اجازه داده یا طریقی از طرق خود را ذکر کرده، آن را به شیخ طوسی می رساند و به منتهی شدن اجازه یا طریق به شیخ تصریح می کند. به عنوان نمونه ابن شهر آشوب به این نکته در مقدمه کتاب «معالم العلماء» و کتاب «مناقب آل ابي طالب» تصریح می کند.

همچنین مجلسی اول در انتهای اجازه اش به آقا حسین خوانساری می گوید: تألیفات کسانی را که بر شیخ ابوجعفر مقدم بوده اند - چه کسانی که از آنها یاد شده و غیر آنها - و مقام آثاری را که کتاب «فهرست اسماء المصنفین» در برگرفته و نیز مجموعه کتابها و روایات ایشان را با طرقی که از شیخ به آنها رسیده است روایت می کنیم. اکثر طرق ما به شیخ ابوجعفر می رسد زیرا اصول مذهب تماماً به کتابها و روایات نقل شده از وی برمی گردد.



فرزند وی، مجلسی دوم، هم می‌گوید: بیشتر اسناد کتابهای اصحاب ما از طریق شیخ أبو جعفر طوسی است.<sup>۱</sup>

شیخ اسدالله تستری می‌گوید: بیشتر طرقی که روایات اصحاب و اجازاتشان بر آن استوار است به او منتهی می‌شود. شاید علت این امر آن باشد که اولاً تنها شخصیت علمی و موقعیت اجتماعی شیخ مطرح نیست بلکه تالیف دو کتاب از مهمترین کتب چهارگانه شیعه در حدیث که مورد اعتماد و اعتبار شیعه است دلیل عمده آن است. ثانیاً تأخر زمانی وی از شیخ کلینی و شیخ صدوق دلیل دیگر آن به شمار می‌رود. در نتیجه سلسله اسناد و اجازاتی که به مشایخ کلینی و صدوق و سلسله سندهایی که از مشایخ ایشان به محدثان طبقات قبل می‌رسد با شیخ طوسی آغاز می‌شود. به همین جهت طرق معروفی که به کلینی و صدوق می‌رسد، در نتیجه رساندن سندها به او، جویندگان طرق را از ذکر طرق روشن و مشهوری که پس (پیش؟) از طریق شیخ است بی‌نیاز می‌کند.

ثالثاً او نویسنده سه کتاب از کتب اربعه رجال است که بین جماعت شیعه متداول است. از بین این کتابها جا دارد از کتاب «الفهرست» که حاوی سلسله سندهای نویسندگان و روایان حدیث شامل ائمه (ع) و اصحابشان به شکلی منظم و دقیق و جامع است یاد کنیم.

نکته آخر این که اگر سلسله سندهای کتابهایی که در مشیخه تهذیب و استبصار آمده است به الفهرست افزوده شود، روی هم مجموعه‌ای کامل را از طرق و سلسله اسناد به کتب حدیث و مصنفات شیعی، به شکلی کاملاً واضح و دقیق وجود می‌آورد.

۱ - بحار الأنوار (۱/۶۷).

۲ - مقابسات الأنوار (ص ۵).

اموری که برشمردیم سبب شده است تا شیخ طوسی در زمینه سلسله اسناد و طرق روایات محوریت یابد. بدین ترتیب از هر یک از نجاشی و مفید و صدوق و کلینی و دیگران مشخص و ممتاز شده، همه طرق و اجازات به او منتهی شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی